

برای زندگی

۴



■ امام موسی صدر
■ موسسه صدر
■ صفحه ۳۰۹

این کتاب چهارمین جلد از مجموعه «در قلمروی اندیشه امام موسی صدر» و اولین جلد از مجموعه گفتارهای تفسیری امام موسی صدر است. این نکته نیز اهمیت دارد که بدانیم امام موسی صدر به درجه اجتهاد نائل شده بود. می توان این گونه در نظر داشت که مجموعه اقدامات امام موسی صدر و دیدگاه ها و اظهارات او برخاسته از نگرش و فهم او از اسلام بوده است.

حدیث سحرگهان

۵



■ امام موسی صدر
■ موسسه صدر
■ صفحه ۴۵۶

این کتاب پنجمین جلد از مجموعه «در قلمروی اندیشه امام موسی صدر» و مجموعه گفتارهای تفسیری است که سحرهای ماه مبارک رمضان در رادیو لبنان بیان شده است. این سخنرانی ها در سال های پایانی حضور امام در لبنان ایراد شده و به نوعی عصاره اندیشه و فکر امام در زمینه های مختلف دینی و اجتماعی و انعکاس و خلاصه معرفت وجودی ایشان است.

انسان آسمان

۶



■ امام موسی صدر
■ موسسه صدر
■ صفحه ۲۳۹

این کتاب ششمین جلد از مجموعه «در قلمروی اندیشه امام موسی صدر» است که مجموعه ای از سخنرانی ها و نوشته های امام صدر درباره امیرالمومنین علی (ع) در آن منتشر شده است. امام صدر در این مجموعه گفتارها نگاهی ویژه به مسائل مختلفی همچون زندگی و شهادت امیرالمومنین، ویژگی های فردی و اخلاقی ایشان، واقعه غدیر، مفهوم ولایت و وظایف و مسئولیت های شیعیان دارد. مطالب این کتاب را می توان به سه بخش تقسیم کرد.

ما نیاز داریم کار کنیم؛ نه اینکه تنها مصرف کننده باشیم. بنابراین، اگر خواهیم به تمدن نوین اسلامی دست پیدا کنیم، باید بدانیم نخستین مؤلفه آن، کار و تلاش است. البته این مسئله مورد تأکید قرآن و روایات نیز هست. خداوند در آیه ۳۹ سوره نجم می فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و اینکه برای انسان، بهره ای جز سعی و کوشش او نیست». بنابراین، در ادبیات تمدنی دینی ما کار و کوشش سهم عظیمی دارد و باید مدیریت سیاسی و عمومی جامعه به سمتی رود که کار و تلاش را در آن نهادینه و ترویج کند تا از این مسیر بتوانیم بهره های لازم را ببریم و به سمت تمدن نوین اسلامی گام برداریم.

از نظر صدر، کار از یک سو قطعه ای از انسان است که به نیرو و انرژی تبدیل می شود؛ و از سوی دیگر، پیوند انسان با هستی است. در تعبیر ایشان، «کار آفریننده تمدن ها و فرهنگ ها، و در نتیجه تاریخ است.» گو اینکه جامعه ای که کار در آن رونق ندارد، توان آفرینش تمدن و فرهنگ و در نتیجه تاریخ را ندارد. بنابراین در اندیشه صدر، اهمیت کار بیش از آن است که غالباً تصور می شود. گذشته از اینها و با توجه به اینکه کار عنصر تاریخ ساز است، صدر عنصر مهمی دیگری را نیز بر آن می افزاید تا ارزش و اعتبار و اعتنای به کار را بیشتر کند و آن اینکه کار را «تحقق رسالت انسان در زندگی» برمی شمارد.

نتیجه آنچه گفته شد، از نظر صدر این است که انسان از طریق کار می تواند به چنین وظیفه ای، یعنی وظیفه تغییر و تحول اقدام کند. البته صدر این توجه را هم می دهد که مراد از کار در اینجا، فقط کار بدی و بدنی نیست؛ بلکه اعم از تفکر و علم و کار بدنی است. تعبیر بسیار مهم دیگری هم دارد که مسیر رسیدن به خداوند را از مسیر کار می داند: «کار، راه انسان به سوی خداست.» همچنین تعبیر دیگری دارد که در آن، کار را «همان جوهره وجودی انسان و شرف انسان» می شمارد. در واقع، «کار قطعه ای از وجود آدمی است؛ اما قطعه شریف تر، یعنی ثمره و غایت و هدف از وجود آدمی»

صدر در فقره زیر به روشنی از تأثیر کار و عمل در تمدن سازی سخن به میان می آورد و ساخت و پیریزی تمدن را بدون عمل، موفقیت آمیز نمی داند. در واقع، هر چقدر هم به لحاظ نظری و فلسفی قوی و واجد پشتوانه های نظری مناسب برای تمدن باشیم، اما این مباحث و ایده های نظری در عمل محقق نشوند، چیزی تغییر نمی کند. در حقیقت، اندیشه و عمل، هر دو باید با هم پیش بروند و هر کدام بدون دیگری نتیجه مطلوبی در بر نخواهد داشت:

تنها عمل انسان است که تاریخ را می سازد؛ آن را تغییر می دهد؛ آن را به حرکت درمی آورد و به پیش می برد. عوامل خارجی، در مسیر ساختن جوامع بشری تأثیر ندارند؛ بلکه این فقط انسان است که با «عمل» نشئت گرفته از معرفت و شناخت، یا برآمده از جهل و نادانی، یا ناشی از اهمال و بی اعتنایی، فرصت می یابد طریقی را برگزیند و گامی را بر گام دیگر ترجیح دهد. واقعیت های اجتماعی همان خواهد بود که وی اختیار کرده است. تغییر و تحول تاریخی یا اصطلاحاً «جبر تاریخی»، چیزی جز فعل و انفعال میان انسان و جهان نیست.

بنابراین، «عمل» می تواند ابعاد «نظر» را تحقق بخشد. البته همان گونه که ایشان هم تصریح می کند، عمل باید از معرفت و شناخت نشئت گیرد. چنان که پیش از این هم گفته شد، فرهنگ یکی از عناصر تمدن ساز است و لایه نظری تمدن را پیش می برد؛ و مدنیت بخش عینی و سخت تمدن را سامان می دهد. از این رو، نباید میان نظر و عمل و فرهنگ و مدنیت جدایی باشد.

بر دیگران برتری داشت؛ اما این برتری به نژاد نیست؛ بلکه بر تقوا و جهاد و علم استوار است. صدر تنها معیار برتری را بر عمل مبتنی می کند و همه ملاک های دیگر را مردود می شمارد. ضمن اینکه به این نکته نیز اشاره می کند که «جهل و عقب ماندگی و فقر و گرسنگی و خواری، نتیجه اعمال افراد جامعه است و هر پیشرفت و موفقیت و دانش و کمالی، نتیجه کار خودمان است.»

با نفی نژادپرستی، راه برای پیشرفت و برابری و آزادی فراهم می شود: «عقب ماندگی و نژادپرستی و تبعیض را از بین خواهیم برد تا به تشنگان پیشرفت و برابری و آزادی خدمت کنیم.» بنابراین، مقابله با عقب ماندگی و حرکت در مسیر پیشرفت و تمدن، از مسیر نفی نژادپرستی تحقق می یابد. در هر حال، ایشان با توجه به جامعه متکثر لبنان بر این نظر است که فرق، نه تنها محل پیشرفت و تمدن به شمار نمی روند، بلکه خود دریچه های این تمدن اند:

کسانی که گمان می کنند وجود طوایف گوناگون در لبنان و سروسامان دادن به امور آنها، از عوامل ضعف احساس ملی و قومی است، بی شک از دریچه ای تنگ به این قضیه می نگرند؛ بلکه طوایف مختلف و سازمان یافته، عوامل تعاون و دریچه های فرهنگی اند که دستاوردهای میلیاردها نفر از افراد بشر این عصر و اعصار گذشته را به ما باز می نمایند. این تجارب، از همین راه به لبنان وارد می شود و آن را به مثابه یک بدن درمی آورد؛ طوری که وحدت ملی و انسانی با نبود هر عضوی از آن، ناقص خواهد ماند.

در باب چگونگی گذار از تمدن قدیم به تمدن نوین، مفروض آن است که ما دچار آشفتگی ها و آسیب هایی شده و دارای نگاه تمدنی نبوده ایم و در این زمینه عقب ماندگی هایی متوجه جوامع اسلامی است. بنابراین، نیازمند آن هستیم که با بازشناسی وضعیت موجود، بازنگری مجددی به میراث خود داشته و به آن توجه کنیم. اگر این مسئله را مفروض بگیریم که تاسیس یک تمدن، بدون داشته های مبتنی بر فلسفه و دانش های مرتبط با این بحث انجام نمی شود و اولویت در آن است که ما میراث خود را بشناسیم، ممکن است برخی از گزاره هایی که در این میراث هستند، برای ما قابل استفاده و برخی نیز غیر قابل استفاده باشند. در این بخش می توان با بازشناخت میراث موجود، آن دسته ای را که قابل استفاده است، دوباره به کار بگیریم تا بتوانیم بر اساس آن، برخی از خلأ های موجود را پر کنیم.

آنچه در این میان می تواند مورد توجه باشد، همانا کار و تلاش است که بنیان های تکوینی یک تمدن را می سازد. از این روست که اگر همه شرایط هم برای تمدن سازی آماده باشد، اما هیچ گونه سعی و تلاش عملی صورت نگیرد، هیچ تمدنی پانمی گیرد. امام موسی صدر معتقد است، اگر ما تمدن را به معنای تعامل انسان با حیات در نظر بگیریم، لازم است سعی و تلاش را برای بهره گیری از این حیات بیشتر کنیم. وی تعریف معنای تمدن به تعامل انسان با حیات و طبیعت را ظرفیت خوبی در راستای توجه به طبیعت و حیات و انسان می داند که انسان ها را به تلاش و آفری تحریک و تشویق می کند. این گونه تعامل انسان با حیات، از طریق کار انجام می گیرد. بنابراین، کار و تولیدات ما باید در همه جهات مورد نیاز افزایش یابد؛ زیرا به تعبیر صدر، «کار، قطعه ای از انسان است.»

اساساً انسان با کار هویت و معنا می یابد. اگر تعبیر امام موسی صدر را درباره کار در نظر بگیریم، برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی در جوامع اسلامی، حرکت و تولید کار باید در مسیر صحیحی قرار گیرد.

وجه اهمیت عدالت در فکر امام صدر، جدا از وضعیت و شرایط طوایف موجود در لبنان، به سبب اهمیتی است که در خود عدالت نهفته است. صدر از آن رو به ستایش عدالت می پردازد که ساخت و پرداخت یک جامعه، با عدالت انجام می گیرد؛ و همان گونه که تلاش و کار تاریخ را می سازد، عدالت نیز تاریخ ساز است